

زمینه های فکری مخالفان تقریب (بخش اول)

مهدی عزیزی^۱

چکیده

تقریب بین مذاهب اسلامی که زمینه ساز وحدت امت اسلام است پدیده مبارکی است که در دو قرن اخیر طرفداران زیادی پیدا کرده است در این بین مخالفان جدی ای نیز از شیعه و سنی برای این اندیشه وجود دارد. در این مقاله به بررسی برخی از مهمترین زمینه های فکری مخالفان تقریب با شیعه پرداخته شده است. مباحث توحید و شرک، ادعای اعتقاد شیعیان به تحریف قرآن، شبیه انگاری شیعه با یهود، ادعای تکفیر اکثر صحابه و تلقی ناصحیح از مفهوم تقیه برخی از مهمترین زمینه هایی است که منشأ سوء تفاهم و تهمت های ناروا به شیعه شده تا جایی که بر اساس آنها تقریب با شیعه را غیر ممکن دانسته اند. بررسی این سوء برداشتها روشن می کند که این موارد نمی تواند مانع نظری برای تقریب با شیعه به شمار آید همچنان که نباید دستاویزی برای مخالفت با تقریب علیه شیعه قرار گیرد.

کلمات کلیدی: مخالفان تقریب، تکفیر شیعه، تقریب مذاهب، اهل سنت سلفی

مقدمه

وحدت امت اسلامی یکی از اصول ثابت و انکار ناپذیر شریعت اسلام است. اصلی که ریشه در قرآن و آموزه های مسلم دینی دارد. دعوت تقریب بین مذاهب اسلامی به عنوان یک راهبرد برای رسیدن به این وحدت اسلامی حدود یک قرن است که به صورت یک گفتمان در فضای کشورهای اسلامی مطرح شده است. دعوتی که پیامش تقریب و هم دلی بین پیروان مذاهب اسلامی با حفظ اعتقادات خودشان است تا به منزله امت واحد در مقابل دشمنان اسلام ظهور پیدا کرده و اتحاد امت اسلامی از برکات فراوان آن بهره مند شوند.

پیشگامان تقریب مذاهب اسلامی در دارالتقریب قاهره در نیمه دوم قرن بیستم این گفتمان را در سطح جهان اسلام مطرح کرده و به زوایای آن پرداختند و این دعوت مبارک تا کنون ادامه دارد. هر چند منادیان تقریب با عناوین مختلف در قالب همایش ها و مصاحبه ها و نشر کتاب و مقاله، بارها و بارها مقصود خویش را از تقریب بین مذاهب بیان کرده اند اما با این وصف، هنوز دعوت تقریب در جهان اسلام با مخالفان جدی ای روبروست که نه تنها تقریب را بی فایده بلکه آن را غیر ممکن و حتی موجب تضعیف پیروان مذاهب می دانند.

بررسی زمینه های فکری مخالفان تقریب راه را برای شناخت موانع اتحاد امت اسلامی هموارتر کرده و شبهات موجود در مسیر تفکر تقریب را برطرف می سازد.

۱. محقق و پژوهشگر پژوهشگاه تقریب مذاهب اسلامی، استاد حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری فقه تربیتی

پرسش اصلی این نوشتار این است که مهم ترین موضوعاتی که به عنوان زمینه های فکری مخالفان تقریب با شیعه به شمار می روند و بر اساس آن، تقریب با مذهب شیعه غیرممکن دانسته شده است کدامند و پاسخ اجمالی به آنها چیست؟

مفهوم شناسی

قبل از ورود به اصل بحث سه مفهوم کلیدی موضوع پژوهش را مورد بررسی قرار گرفته می شود. این مفاهیم عبارتند از: مفهوم تقریب مذاهب، مفهوم مخالفان تقریب، مفهوم زمینه های فکری مخالفت با تقریب

تقریب مذاهب

منظور از تقریب مذاهب بنابر تعریف مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی عبارت است از نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی با هدف تعارف و شناخت یکدیگر به منظور دستیابی به تألیف و اخوت دینی براساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی. (تسخیری، ۱۳۸۳، ص ۲۱۸) روشن است که برای رسیدن به هدف تقریب باید سوء تفاهمات برطرف شده و هر یک از مذاهب اسلامی انگشت اتهام را از روی یکدیگر برداشته و با حسن نیت با توجه به اصول پذیرفته شده و مشترکات بین مذاهب به سمت اخوت دینی و همدلی و وحدت در برابر دشمنان اسلام پیش روند.

مخالفان تقریب با شیعه

مقصود از مخالفان تقریب با شیعه کسانی هستند که یا تقریب با شیعه را غیرممکن دانسته (ر.ک: صداقت ثمرحسینی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۶) و یا لاقلاً با بدبینی به تقریب با مذهب شیعه نگرسته و احیاناً تقریب را تلاشی از جانب شیعه برای ترویج تشیع در بین اهل سنت می دانند. (القفاری، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۲۷۹-۲۷۸) عمده مخالفان تقریب را در بین سلفیون اهل سنت و پیروان مکتب ابن تیمیه می توان یافت که با نگاه افراطی و تکفیر گرایانه به شیعه امامیه نگرسته و موضوعاتی را طرح کرده تا براساس آنها بر طبل بدبینی و اتهام نسبت به شیعه کوبیده و از این رهگذر دعوت تقریب را غیرممکن بدانند.

زمینه های فکری مخالفت با تقریب

مقصود از زمینه های فکری در این نوشتار، پیش فرضهای ذهنی و شبهاتی است که منجر به سوء برداشت نسبت به مبانی نظری مذهب شیعه شده است بنابراین روشن است که بحث از زمینه های اجتماعی یا سیاسی و فرهنگی که منجر به مخالفت با دعوت تقریب شده از عهده این نوشتار خارج است.

بدیهی است که این زمینه های نظری، منجر به نگاهی خاص و به دور از واقعیت نسبت به شیعه شده و مخالفینی را برای دعوت تقریب به وجود آورده است لذا باید این شبهات مورد واکاوی قرار گیرد تا با حل سوء تفاهمات و پاسخ به آنها مسیر تقریب بین مذاهب هموارتر گردد.

برخی از مهمترین زمینه‌های نظری عدم تقرب با شیعه

در این نوشتار پنج موضوع از مهمترین موضوعاتی که مخالفان تقرب با شیعه امامیه مطرح کرده اند و می توانند به عنوان زمینه های فکری عدم تقرب به شمار آیند انتخاب شده و پیرامون آنها بحث شده است.

۱. مباحث توحید و شرک

از مهم ترین موضوعات زمینه ساز برای مخالفان تقرب با شیعه، مباحث پیرامون توحید و شرک در عقاید شیعه است. مباحثی همچون شفاعت امامان شیعه، زیارت قبور اولیای الهی، سجده بر مهر و همچنین تفسیر نادرستی که مخالفان شیعه از مفهوم بداء در اندیشه و اعتقاد شیعه دارند که بر اساس آن مدعی می شوند شیعیان خداوند متعال را جاهل می دانند! (صوفی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۴) مباحثی است که موجب می شود اهل سنت سلفی و علمای وهابی، اختلاف اهل سنت و جماعت با شیعه را در اصول دین اسلام و نه در فروع فقهی آن بدانند و حتی معتقد باشند که اختلاف میان آنها و شیعه اختلاف میان اسلام و بت پرستی است. (الجبهان، ۱۴۰۸ق، ص ۵۰۲)

آنان در همین راستا به مقوله غلو به عنوان یکی از مظاهر شرک پرداخته و موضوعاتی همچون عصمت ائمه اطهار «علیهم السلام»، علم غیب آن بزرگواران، همچنین مسأله توسل و زیارت قبور اولیای الهی را از مصادیق غلو و شرک به ساحت ربوبی دانسته اند. (ر.ک: صداقت ثمرحسینی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۵) بنابراین طبق تفسیر نادرستی که اهل سنت سلفی از این اعتقادات شیعه دارند، روشن است که مذهب امامیه حداقل اعتقادات لازم برای مسلمانی را ندارند و چگونه می توان با کسانی که عقائد انحرافی در حد شرک به خدا دارند تقرب داشت؟ طبیعی است که اگر این اختلافهای عقیدتی به اختلاف در اصل توحید بیانجامد همان گونه که اهل سنت سلفی مدعی هستند در این صورت تقرب با شیعیان عملاً غیر ممکن خواهد بود.

شیخ عبدالله موصلی از مخالفان سرسخت تقرب می نویسد:

«تقرب میان اهل سنت و شیعه امری محال است زیرا چگونه می توان حق و باطل، کفر و ایمان، نور و ظلمت را یکجا جمع کرد؟ دعوت شیعه به ندای تقرب تنها از باب فریب کاری و مخفی کردن نقشه های خبیثانه آنهاست» (ر.ک: صداقت ثمرحسینی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۶)

ناگفته نماند که شیعه، موضوعات فوق را بر اساس ادله محکم قرآنی و روایی قطعی می داند به نحوی که به هیچ عنوان با اصل توحید منافاتی ندارد به عنوان نمونه مسأله شفاعت و وساطت اولیای الهی به نحوی که شیعه به آن معتقد است ریشه در معارف قرآنی دارد و آیات کریمه قرآن، مؤید این نگاه است (برای نمونه: ر.ک: یوسف، آیه ۹۶ و بقره، آیه ۲۵۵ و نساء، آیه ۶۴) و در واقع شفاعت اولیاء در طول اراده الهی است و آن بزرگواران به هیچ عنوان مستقلاً و بدون اذن الهی، اراده و قدرتی ندارند (ر.ک: طاهری خرم آبادی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۴۳-۱۴۲) در واقع شائبه شرک آن جایی مطرح می شود که آن بزرگواران در عرض خداوند متعال عبادت شوند یا مقام و قدرت یا اراده ای مستقل از اراده الهی برای آنها در نظر گرفته شود. (ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۳-۲۴۷)

برخی از این اشکالاتی که نسبت به شیعه گرفته می شود به خود صاحبان اشکال نیز به نحو مشترک وارد است به عنوان نمونه شیعه، عصمت ائمه اطهار «علیهم السلام» را بنابر ادله محکم قرآنی و روایی قطعی می داند، متقابلاً مشهور علمای

اهل سنت نیز عدالت را برای همه صحابه نبی اکرم قطعی و به عنوان یک پیش فرض غیرقابل خدشه تلقی کرده (ر.ک: عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۲) و ارکان حدیث و فقه اهل سنت را بر پایه همین پیش فرض بنا ساخته اند (ر.ک: عسکری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۲۲) تا آنجا که برخی انکار عدالت صحابه را به مثابه کفر و زندقه دانسته اند. (ر.ک: عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۲)

۲. ادعای اعتقاد شیعیان به تحریف قرآن

یکی دیگر از زمینه های نظری مخالفان تقریب با شیعه که تبدیل به دستاویزی علیه شیعیان شده است ادعای اعتقاد شیعیان به تحریف قرآن است. برای نمونه ابن جریر از مخالفان سرسخت شیعه و تقریب، در شرح «لمعة الاعتقاد» اثر ابن قدامه ی مقدسی در وصف شیعیان امامیه می نویسد:

«آنها سپس به طعن قرآن پرداختند و مدعی شدند که صحابه ای که کاتب آن بودند به قرآن خیانت کردند و آنچه را که به ولایت و اهل بیت تعلق داشت، حذف کردند. آنها مدعی شدند که سوره ای به نام سوره ی ولایت که تصویری از آن در کتاب «الخطوط العریضه» اثر محب الدین خطیب است در قرآن موجود بوده است که صحابه آن را حذف کرده اند. حتی گفتند که آیه ای از سوره «الم نشرح» حذف شده است و اصل آن چنین بوده است: «الم نشرح لك صدرک وجعلنا علیاً صهرک» (ابن جریر، ۱۹۹۸م، ج ۱، ص ۳۶۲-۳۶۱)

در مورد اعتقاد شیعه به بودن سوره ای به نام سوره ولایت که اتهامی بیش نیست باید گفت که مستند اصلی این سوره، کتاب «فصل الخطاب فی تحریف القرآن» است که او نیز آن را از کتاب «دبستان المذاهب» که نویسنده ی آن ناشناس و مجهول است اقتباس کرده است. (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۹، ص ۲۱۰) اگر این امر اعتقاد شیعه یعنی صدها میلیون نفر در طول تاریخ بوده است، آنان هر قدر هم که تقیه کرده باشند، قاعدتاً باید مدعیان ضد شیعه سلفی می توانستند صدها سند مختلف درباره این ادعای موهوم ارائه دهند نه آنکه در نهایت ادعای آنان مستند به دو یا سه کتاب مطرود و حتی مجهول الهویه شود. (ر.ک: صداقت ثمرحسینی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۸)

هر چند نمی توان منکر وجود برخی از روایات تحریف قرآن در برخی از کتب شد ولی این هیچگاه به معنای اعتقاد شیعه به تحریف قرآن نمی باشد چنانکه علمای بزرگ مذهب شیعه مانند شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، شیخ طبرسی، علامه حلی و بزرگانی دیگر با صراحت به نفی تحریف در مورد قرآن کریم پرداخته اند. (ر.ک: خویی، ص ۲۰۰) علاوه بر آن بسیاری از علمای اهل سنت که منصفانه مسأله تحریف را بررسی کرده اند، شیعه امامیه را از تهمت قول به تحریف مبرا دانسته اند. (ر.ک: معرفت، ۱۳۷۸، ص ۴۵۸)

نکته قابل تأمل این جاست که برخورد مخالفان تقریب مذاهب اسلامی با روایات شیعه، بی توجه به برداشت علمای شیعه از آن روایات بوده است و روشن است که صرف نقل روایتی به معنای پذیرش مفاد ظاهری آن نیست چنان که برخی از روایات تحریف در کتب روایی اهل سنت از جمله در صحیحین موجود است (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۹، ص ۱۹۸-۱۸۱) و باید دید تحقیق و برداشت نهایی علمای بزرگ مذهب از این گونه روایات چیست. چنانکه به تصریح برخی از محققین علوم قرآنی، تمام عالمان محقق شیعه و صاحبان اجتهاد و نظر به استناد دلایل عقلی و نقلی متواتر، احتمال تحریف را مردود شمرده اند و بیشتر محدثین شیعه نیز در انکار تحریف قرآن با نظر اهل تحقیق موافقت نموده اند. (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۹، ص ۲۱۷)

محمد مال الله در کتاب «الشیعة و تحریف القرآن» پس از بیان روایاتی از شیعه که او آنها را به عنوان روایات تحریف در قرآن می‌شناسد از آنجا که می‌داند نظایر همین روایات در کتب روایی اهل سنت هم موجود است به توجیه و تفسیر علمای اهل سنت از آن روایات اشاره می‌کند تا بگوید مراد از آن روایات، تحریف قرآن نیست. اما هیچ اشاره ای به دیدگاه های علمای شیعه درباره توجیه روایات مورد بحث نمی‌کند. (مال الله، ۱۴۰۲ق، ص ۱۱۹-۱۱۸)

برخی از علمای امامیه به این واقعیت اشاره کرده‌اند که اگر کتاب فصل الخطاب تألیف محدث نوری که دستاویزی برای مخالفان شیعه برای اسناد قول به تحریف شده است با دقت خوانده شود روشن می‌گردد که تعداد زیادی از روایات آن از مصادر اهل سنت گرفته شده است! (میلانی، ج ۱، ص ۳۱)

حقیقت این است که شیعه و اهل سنت هیچ یک قائل به تحریف قرآن نیستند و نباید با برداشت های نادرست از برخی آثار و روایات، یک مذهب را متهم به چنین نسبت ناروایی کرد چنانچه نظر برخی از علمای مذهب هم، نمی‌تواند به عنوان عقیده رسمی آن مذهب تلقی شود مادامی که نظر مخالف از علمای همان مذهب درباره مطلب مورد نظر وجود داشته باشد.

۳. شبیه انگاری شیعیان با یهود

به ادعای شیوخ سلفی، مذهب شیعه توسط فردی یهودی به نام عبدالله بن سبا اختراع شده است. (الشثری، ۱۴۲۸ق، ص ۱۸ و القفاری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۴۰) کتاب «منهاج السنة» ابن تیمیه یکی از سرمشق‌های اصلی و زمینه‌های نظری این طرز تفکر است. آنان در ذیل این مبحث سلسله صفویه در ایران را به عنوان احیاء کنندگان آیین عبدالله بن سبا معرفی کرده و آن را با دین مجوسیان هم ردیف می‌دانند. (ر.ک: صداقت ثمرحسینی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۸)

برخی از علمای سلفی فراتر از این مطلب ادعاهای عجیبی مطرح کرده‌اند که هیچ اساسی نداشته و بیشتر به خیال‌بافی شبیه است مانند تشابه یهود و شیعه در تکفیر غیر از خود، یا تشابه یهود و شیعه در تحریف کتاب خدا، تشابه یهود و شیعه در غلو درباره ائمه و خاخام هایشان، تشابه یهود و شیعه در تقدیس خویش و تشابه یهود و شیعه در قدح انبیاء و صحابه! (حربی، ۱۴۳۰ق، ص ۱۴۴-۹۹)

در مقابل، علمای بزرگ شیعه مانند مرحوم کاشف الغطاء در کتاب «اصل الشیعة و اصولها» و همچنین مرحوم علامه عسکری در کتاب «عبدالله بن سبا و أساطیر آخری» به تفصیل، به پاسخ این طرز فکر مبنی بر پیدایش مذهب شیعه توسط عبدالله بن سبا پرداخته‌اند و برخی از علمای شیعه و تعدادی از علمای اهل سنت بیان کرده‌اند که اساساً فردی به نام عبدالله بن سبا در تاریخ وجود خارجی نداشته است. (ر.ک: حسینی قزوینی، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۲۸۵-۲۷۸)

۴. ادعای تکفیر اکثر صحابه و امت اسلام توسط شیعه

از موضوعات مهم دیگری که به عنوان زمینه ای مهم برای مخالفت تقریب با شیعه به شمار می‌رود، ادعای مخالفان تقریب مبنی بر این است که شیعیان صحابه رسول اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» را جز معدودی انگشت شمار سب و تکفیر می‌کنند! آنان به مستند برخی از روایات وارده در کتب شیعه از جمله روایتی که فرموده: «بعد از پیامبر مردم مرتد شدند به جز سه نفر»^۲ معتقدند شیعیان حکم به ارتداد و کفر اکثر صحابه می‌کنند. (الزهرانی، ص ۶۴)

۲. «ارتد الناس بعد النبی الا ثلاثة»؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۴ ص ۲۷۴

برخی از علمای سلفی با استناد بر روایاتی که دلالت بر عدم قبولی اعمال منکرین ولایت امیرالمؤمنین «علیه السلام» می‌کند و در کتب روایی شیعه موجود است معتقدند با وجود این روایات در کتب روایی شیعه، آنها معتقدند که نه تنها اکثر صحابه بلکه اکثریت امت اسلام کافرند و تنها شیعه هست که مسلمان بوده و اهل نجات است (ر.ک: السلفی، ۱۴۲۹ق، ص ۵۴-۳۱) بنابراین شیعیان در تکفیر امت اسلام از سلفی‌های تندروی تکفیری افراطی‌ترند! با این تفاوت که شیعه با نقاب تقيه، منافقانه این اعتقاد به کفر اکثریت امت اسلام را اظهار نمی‌کند. برخی پا فراتر گزاردند و به شباهت‌های مختلف شیعه با خوارج پرداخته‌اند و حتی شیعه را از خوارج بدتر دانسته‌اند! (السلفی، ۱۴۲۹ق، ص ۳۰)

منشأ این تهمت‌ها مغالطه بین مفهوم قرآنی اسلام و ایمان است. کسی که شهادتین را بگوید و با زبان اقرار به توحید و نبوت حضرت رسول اکرم «صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم» داشته باشد از نگاه قرآن و فرهنگ امامان شیعه مسلمان بوده، خون او محترم، ذبیحه اش پاک و حلال، نکاح با او صحیح و تمام احکام مسلمانی بر او بار می‌شود (العطار، ج ۱، ص ۱۱۴) اما ایمان طبق صریح آیه قرآن مفهومی فراتر از اقرار به زبان است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

عرب‌های بادیه نشین گفتند: ایمان آورده‌ایم بگو: شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگویید اسلام آورده‌ایم، اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است! و اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید، چیزی از پاداش کارهای شما را فروگذار نمی‌کند، خداوند، آمرزنده مهربان است. (حجرات، آیه ۱۴)

یکی از لوازم کمال ایمان طبق اعتقاد شیعه اعتقاد به امامت و ولایت امامان اهل بیت «علیهم السلام» است زیرا اعتقاد به امامت اهل بیت در ردیف اعتقاد و ایمان به نبوت و آن چیزی است که پیامبر اکرم «صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم» به آن خبر داده و تصدیق به تمام آنچه نبی مکرم اسلام آورده است از لوازم ایمان شمرده می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ»

خداوند گناهان کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند و بدانچه بر محمد نازل شده که آن حق است از جانب پروردگارشان ایمان آورده‌اند، از آنها زدود و کارهایشان را به صلاح آورد (محمد، آیه ۳)

نکته‌ی قابل توجه این است که لزوم ایمان به ولایت ائمه «علیهم السلام» در نگاه شیعه هیچگاه به این معنا نیست که منکر ولایت امامان معصوم از جرگه اسلام خارج شده و کافر است. به تصریح برخی از علمای بزرگ شیعه کسی که دارای عقیده به امامت است از نظر شیعه، «مؤمن» به معنای خاص محسوب می‌شود و اگر تنها به اصول دیگر دین غیر از امامت اکتفاء کند مسلمان یا مؤمن به معنای عام است و مشمول تمام احکام اسلام اعم از احترام جان و مال و عرض و سایر حقوق اسلامی خواهد بود بنابراین عدم اعتقاد به اصل امامت هرگز موجب نمی‌شود که شخصی، از زمره مسلمین خارج شده و احکام اسلامی در مورد او اجرا نگردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱)

بنابراین شیعه هیچگاه نه تنها اکثریت امت اسلام را تکفیر نکرده و نمی‌کند بلکه به اکثر صحابه رسول خدا «صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم» نیز هیچ گاه تهمت کفر را نزده است.

چگونه می‌توان کفر را به اکثر صحابه رسول خدا «صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم» نسبت داد درحالی که کتب رجالی شیعه مملو است از ذکر نام بسیاری از صحابه مخلص رسول خدا «صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم» که اهل ایمان بوده و انحرافی نداشتند. (ر.ک:

العطّار، ج ۱، ص ۱۰۹) بسیاری از آنها در لشکر حضرت علی «علیه السلام» حضور داشتند و تعداد زیادی از آنها به شهادت رسیدند!

مرحوم علامه امینی در جلد نهم الغدير فهرست اسامی ۱۴۵ تن از صحابی رسول خدا «صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم» که ۳۵ تن از آنان اصحاب بدر بودند را آورده است که در جنگ صفین حضور داشته‌اند. (امینی، ۱۴۱۰ ق، ج ۹، ص ۳۶۸-۳۶۲) برخی از علما تصریح کرده‌اند که ۲۵۰ نفر از صحابه‌ای که در بیعت رضوان حضور داشته‌اند در لشکر حضرت علی علیه‌السلام در رکاب حضرت بوده‌اند. (ر.ک: العطّار، ج ۱، ص ۱۱۹)

حضرت امام علی بن الحسین «علیهما السلام» در صحیفه سجّادیه که از کتب معتبر شیعه است به توصیف و تعریف از اصحاب رسول خدا «صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم» پرداخته و آنها را به جهت حسن هم جواری با پیامبر و تحمل بلاها و ناگواری‌ها در راه نصرت آن حضرت و مجاهدت‌هایی که در راه تثبیت نبوّت نبی مکرم داشتند چنین می‌ستاید:

«اللّٰهُمَّ وَاصْحَابَ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِيْنَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِيْنَ أَلْبَسُوا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ، وَكَانَفُوهُ، وَ أَسْرَعُوا إِلَيَّ وَفَادَتِهِ، وَ سَابَقُوا إِلَيَّ دَعْوَتِهِ، وَ اسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعُهُمْ حُجَّةَ رِسَالَتِهِ وَفَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَالْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَ قَاتَلُوا الْآبَاءَ وَ الْأَبْنَاءَ فِي تَثْبِيْتِ نُبُوَّتِهِ، وَ انْتَصَرُوا بِهِ...»

بارخدايا اصحاب و ياران محمد (صَلَّى الله عليه و آله) آنان که همراه بودن (با آن حضرت) را نيكو به پايان بردند، و آنان که برای ياری او در جنگ شجاعت و دلاوری برجسته ای آشکار ساختند، و او را ياری کردند، و به ايمان آوردن به او شتافتند، و به (پذيرفتن) دعوتش (از ديگران) پيشی گرفتند، و دعوت او را آن هنگام که برهان رسالت ها (پيغام ها)ی خود را به گوششان رساند و در راه آشکار ساختن دعوت او (به راه حق) از زنان و فرزندان دوری نمودند، و در استوار کردن پيغمبری او با پدران و فرزندان (خودشان) جنگيدند، و به واسطه وجود (با برکت) آن حضرت پيروز گرديدند... (صحيفة السجّادية، من دعائه عليه السلام في الصلوة على اتباع الرّسل و مصدّقيهم)

حاصل این که چنین برداشت‌های نادرستی مبتنی بر چند روایت که در کتب روایی شیعه آمده است بدون توجه به معنای صحیح آن و اعتقادات شیعه، نادرست بوده و تهمت بزرگی به شیعه محسوب می‌گردد.

۵. تقیه به مثابه شیوه‌ای منافقانه

موضوع تقیه در تفکر شیعی یکی دیگر از دستاویزهای مهم مخالفان تقریب مذاهب به شمار می‌رود. آنان بدون توجه به تعریف تقیه از دید شیعه امامیه، آن را به مثابه شیوه‌ای منافقانه برای بقاء مذهب شیعه و نفوذ در بین اهل سنت و در نهایت تغییر مذهب اهل سنت تلقی کرده‌اند و شیعیان را اهل نفاق و کذب دانسته‌اند (ر.ک: صوفی، ۱۴۲۶ ق، ص ۳۳) و معتقدند شیعیان با نام تقیه علیه مسلمین حيله‌گری می‌کنند. (القفاری، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۲۸۰) برخی پا فراتر گذاشته و حتی تقیه را مأخوذ از شیوه‌های قوم یهود برای بقاء خویش دانسته‌اند! (الادریسی، ۱۴۲۸ ق، ص ۵۷) باوری که معمولاً از کتاب‌های دوران میانه سلفیه (ابن تیمیه و همفکرانش) به ایشان به ارث رسیده است. (ر.ک: صداقت ثمرحسینی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۲)

شایان ذکر است که اصل تقيه در تفکر شیعه، انکارناپذیر است اما سخن بر سر معنا و حدود و ثغور آن است. تقيه در فرهنگ امامان شیعه برای حفاظت از جان و حفظ کيان شیعیان تجویز شده است^۲ و اصلی است که بر مبانی قرآنی و عقلایی استوار است. (سیدعلوی، ۱۳۷۴، شماره ۴۸، ص ۵۶-۵۲) چنان که برخی از بزرگان اهل سنت به استناد آیات قرآن کریم بر مشروعیت تقيه اذعان کرده اند. (ر.ک: سبحانی، ۱۴۳۱ق، ص ۲۷-۲۳)

مرحوم سیدمحسن امین در نقد کسانی که تقيه را به عنوان یک سیستم سرّی برای شیعه قلمداد کرده‌اند به عقلایی بودن اصل تقيه در بین انسانها اشاره می کند و آن را سرشت همه انسانها و رفتار تمام عقلای عالم در هنگام لزوم می‌داند. (امین عاملی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۹۰)

نکته‌ی دیگر تفاوت اساسی ای است که بین دو مفهوم تقيه و مفهوم نفاق وجود دارد. تقيه به هیچ وجه به معنای نفاق که در شریعت اسلام مورد نکوهش قرار گرفته نمی باشد. زیرا نفاق یک صفت منفی اخلاقی به معنای پنهان کردن کفر و باطل و تظاهر به حق و ایمان است در حالی که تقيه درست عکس معنای نفاق و به معنای پنهان کردن ایمان به حق و تظاهر به عقیده باطل می باشد. (سبحانی، مرداد ۱۳۹۰، ص ۸)

سرخسی که از فقهای بزرگ حنفی است ضمن جداسازی مرز تقيه از نفاق، تقيه را عملی صحیح و مشروع می داند و برای جواز تقيه به آیه شریفه «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» (آل عمران، آیه ۲۸) و سیره عملی رسول اکرم «صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آله» استناد می کند. (السرخسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۴، ص ۴۵)

نتیجه گیری

یکی از موانع بزرگ تقریب زمینه های فکری غلط و سوء تفاهماتی است که بر سر راه تقریب به وجود آمده و گاه حربه ای برای ضربه زدن به دعوت مبارک تقریب توسط دشمنان شده است بیان و بررسی این زمینه های نظری و پاسخ به شبهاتی که منجر به مخالفت با جریان تقریب شده است کمک شایانی به روند تقریب بین مذاهب اسلامی می‌کند. مباحثی که به نوعی به توحید و شرک بازگشت می کنند همچون اعتقاد شیعیان به توسّل و زیارت قبور اولیای الهی از مباحثی است که بر اساس آن تهمت شرک به شیعیان زده شده و آنها را از جماعت مسلمین جدا دانسته‌اند.

این مباحث نظری در کتب علمای شیعه به تفصیل پاسخ داده شده و روشن شده که اولیای الهی در عرض اراده الهی قدرت و اراده ای ندارند محور دیگر بحث ادعای معتقد بودن شیعیان به تحریف قرآن است که همانگونه که اشاره شد نظر محققین از علمای شیعه بر عدم تحریف قرآن است. ادعای شبیه بودن شیعیان با یهود و منشأ به وجود آمدن شیعه نیز یکی از زمینه‌های مخالفت با تقریب است که با روشن شدن ساختگی بودن شخصیت عبدالله بن سبا باطل بودن این تهمت به شیعه نیز روشن می‌گردد. از دیگر زمینه های فکری مخالفت با تقریب ادعای تکفیر اکثر صحابه توسط شیعیان و تلقی ناصحیح از موضوعی به نام تقيه در بین شیعیان است که در این مقاله به اختصار به این سوء برداشت ها پاسخ داده شد و روشن شد که هیچ کدام از این پنج محوری که به عنوان مهمترین زمینه های فکری مخالفت با تقریب از آن یاد شد، مطالب واقعی نبوده و ساحت شیعه از این سوء برداشتها و اتهام ها مبرا می باشد. این مطالب درواقع دستاویزی است برای

کسانی که مغرضانه می‌خواهند بین صفوف مسلمین شکاف ایجاد کرده و با جداساختن شیعیان از سایر آحاد مسلمانان جهان آنان را تافته ای جدا بافته و خارج از دایره‌ی اسلام دانسته و بر طبل بدبینی و تفرقه بکوبند.

منابع:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- الامام السجّاد «علیه السلام»، صحيفة السجّادية
- ۳- ابن جبرین، عبدالله (۱۹۹۸م)، الارشاد شرح لمعة الاعتقاد الهادی إلى سبیل الرشاد، ج ۱، بی‌جا، دارالطیبة للنشر والتوزيع.
- ۴- ادريسی، حامد (۱۴۲۸ق)، الفاضح لمذهب الشيعة الامامية، القاهرة، مكتبة الرضوان.
- ۵- امين عاملی، سيد محسن (۱۴۱۸ق)، اعيان الشيعة، ج ۱، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ پنجم.
- ۶- امینی، عبدالحسین (۱۴۱۰ق)، الغدير، ج ۹، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم.
- ۷- آلوسی، محمود شكري (۱۳۷۳ق)، مختصر التحفة الاثني عشرية، القاهرة، المطبعة السلفية.
- ۸- الجبهان، ابراهيم سليمان (۱۴۰۸ق)، تبديد الظلام و تنبيه النيام، بی‌جا، بی‌تا، چاپ سوم.
- ۹- حربی، ممدوح (۱۴۳۰ق)، مجمل عقائد الشيعة في ميزان اهل السنة و الجماعة، بی‌جا، مكتبة عباد الرحمن.
- ۱۰- حسینی قزوینی، سيد محمد (۱۴۳۴ق)، نقد کتاب اصول مذهب شیعه، ج ۱، بی‌جا، مؤسسه ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه - الشریف».
- ۱۱- حسینی الميلانی، سيد علی، عدم تحريف القرآن، ج ۱، بی‌جا، مركز الأبحاث العقائدية، بی‌تا.
- ۱۲- حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرايع الاسلام، ج ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- ۱۳- خویی، ابوالقاسم، البيان في تفسير القرآن، قم، مؤسسه احياء آثار الإمام الخوئي، (برگرفته از نرم افزار جامع التفاسير نور)
- ۱۴- دانشنامه‌ی جهان اسلام قابل دسترسی در: <http://rch.ac.ir/article/Details/۱۱۱۰۲>
- ۱۵- الزهراني، خالد بن احمد، الغلو في التكفير، بی‌جا، بی‌تا.
- ۱۶- سبحانی، جعفر (۱۳۹۰ش)، «تقيه»، در سهای از مكتب اسلام، شماره‌ی ۶۰۳
- ۱۷- سبحانی، جعفر (۱۴۳۱ق)، التقيه موضوعاً و حكماً، قم، مؤسسة الامام الصادق.
- ۱۸- سرخسی، شمس الدين (۱۴۰۹ق)، المبسوط، ج ۲۴، بيروت، دارالمعرفة.
- ۱۹- السلفی، عبدالله بن محمد (۱۴۲۹ق)، الشيعة الاثني عشرية و تكفيرهم لعموم المسلمين، بی‌جا، بی‌تا.
- ۲۰- سيدعلوی، سيد ابراهيم (۱۳۷۴ش)، «تقيه از بعد رفتاری و عقیدتی»، نشریه مشکوة، شماره‌ی ۴۸.
- ۲۱- الشثري، عبدالرحمن (۱۴۲۸ق)، عقائد الشيعة الاثني عشرية، بی‌جا، مكتبة الرضوان السلفية، چاپ ششم.
- ۲۲- صداقت حسینی، کامیار (۱۳۹۱ش)، شیعه شناسی اهل سنت، ج ۱، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲۳- صدوق، محمد بن علی بن بابويه (۱۴۱۳ق)، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.

- ٢٤- صوفى، عبدالقادر (١٤٢٦ق)، دراسات منهجية لبعض الفرق الرافضة والباطنية، رياض، دار أضواء السلف.
- ٢٥- طاهري خرم آبادى، سيدحسن (١٤٢٩ق)، الشفاعة حقيقة أم خيال، تهران، المجمع العالمى للتقريب.
- ٢٦- طباطبايى، سيد محمد حسين (١٤١٧ق)، الميزان فى تفسير القرآن، ج٤، قم، دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسين، چاپ پنجم.
- ٢٧- طوسى، محمد بن حسن (١٤٠٧ق)، الخلاف، ج٤، قم، دفتر انتشارات اسلامى.
- ٢٨- طوسى، محمد بن حسن (١٣٩٠ق)، الاستبصار فيما اختلف من الاخبار، ج٣، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
- ٢٩- عسقلانى، ابن حجر (١٤١٥ق)، الإصابة فى تمييز الصحابة، ج١، بيروت، دارالكتب العلميه.
- ٣٠- عسكرى، سيد مرتضى (١٤٢٤ق)، معالم المدرستين، ج١، بى جا، المجمع العالمى لأهل البيت عليهم السلام.
- ٣١- العطّار، قيس بهجت، كتاب و عتاب، ج١، بى جا، دارالغدیر، بى تا.
- ٣٢- قشیرى نیشابورى، مسلم بن الحجاج (١٤٣٥ق)، صحيح مسلم، ج٤، بيروت، دارالتأصيل.
- ٣٣- القفارى، ناصر بن عبدالله (١٤١٣ق)، مسألة التقريب بين اهل السنة و الشيعة، ج ١ و ٢، رياض، دارالطبعة، چاپ دوّم.
- ٣٤- كلىنى، محمد بن يعقوب (١٤٠٧ق)، الكافى، ج٥، تهران، دارالكتب الاسلاميه، چاپ چهارم.
- ٣٥- مال الله، محمد (١٤٠٢ق)، الشيعة و تحريف القرآن، بيروت، دارالوعى الاسلامى.
- ٣٦- مجلسى، محمد باقر (١٤٠٣ق)، بحار الانوار، ج٣٤، بيروت، داراحياء التراث العربى، چاپ دوم.
- ٣٧- معرفت، محمد هادى (١٣٨٩ش)، تحريف ناپذيرى قرآن، ترجمه على نصيرى، بى جا، مؤسسه التمهيد.
- ٣٨- مكارم شيرازى، ناصر (١٣٨٨ش)، آئين ما، قم، انتشارات امام على بن ابى طالب «عليه السلام».